

## پنجمین دانشمند هسته ای ایران ترور شد

ا.م. شیری

<http://eb1384.wordpress.com/2012/01/13/>

۲۲ دی ۱۳۹۰

بگزارش منابع خبری، مصطفی احمدی روشن، یکی دیگر از دانشمندان هسته ای ایران، معاون بازرگانی مرکز هسته ای نطنز و یکی از همکارانش صبح روز چهارشنبه، ۲۱ دی ۱۳۹۰ ترور شدند. یادآوری می شود که ترور این دانشمند جوان، پنجمین مورد از سری ترورهای فعالین عرصه هسته ای ایران طی دو سال گذشته می باشد که منهای یک مورد آن- حادثه ترور نافرجام دکتر فریدون عباسی دوانی- با موفقیت اجرا شده است.

محمد رضا رحیمی، معاون رئیس جمهور ایران، از جمله یکی از اولین مقامات رسمی ایران بود که بلافاصله آمریکا و اسرائیل را مسئول ترور این دانشمند هسته ای دانست.

تا کنون جامعه جهانی (بخوانید آمریکا و متحدانش) و همچنین پادوهای ایرانی آنها ترور این دانشمند ایرانی را محکوم و یا تفتیح کرده اند. دلیل این امر هر چه باشد، طبیعتاً هیچ مفهومی جز پشتیبانی و تأیید اقدامات تروریستی ندارد. البته از جامعه جهانی مورد نظر، هیچ انتظاری غیر از این نمی رفت و نمی رود. چرا که ترور، ربودن و سر به نیست کردن فرهیختگان و نخبگان حوزه های علم و فناوری، سیاسی و غیره همواره یکی از اصلی ترین بخش سیاست امپریالیستهای آمریکا و اروپا را تشکیل داده و می دهد. ترور و کشتار در حدود شش هزار نفر از روشنفکران و استادان دانشگاههای عراق در همان سالهای اول اشغال نه ساله این کشور، نمونه مشخص این مدعاست.

صرفنظر از صحت و سقم همه ادعاها و مهمت سازی های مقامات رسمی ایران و همچنین، سکوت «جامعه جهانی» در مورد علل و عوامل این ترور و ترورهای مشابه دیگر، بی تردید، قبل از هر دولت و یا هر گروه تروریستی، قبل از هر سازمان جاسوسی- تروریستی مثل سازمان «سیا» و «موساد»، رژیم جمهوری اسلامی ایران بدلائیل روشنی، از جمله، بخاطر علنی کردن نخبگان علمی و فناوری کشور و ناتوانی در تأمین امنیت زندگی آنها، مسئول و پاسخگوی مستقیم همه این ترورها شمرده می شود.

کاربرد متدهای مشابه در ترور مصطفی احمدی روشن و دیگر دانشمندان ایرانی نشان می دهد که بدون همکاری، همدستی و گرادهی عوامل بیگانه، بخصوص، اعضای فراماسونری در میان روحانیت حاکم و نفوذ وابستگان سنتی انگلیس مثل لاریجانی ها در نهادهای سیاسی، نظامی و امنیتی کشور، چنین عملیات تروریستی نمی توانست و نمی تواند به وقوع بپیوندد. به همین سبب، عوامل ترورها را قبل از همه، باید در داخل نهادهای قدرت ایران جستجو کرد نه در جای دیگر.

رژیم جمهوری اسلامی ایران در طول قریب ۳۳ سال سلطه اختاپوسی و چنگ اندازی بر میهن ما، با تحمیل فجایع و مصایب کم سابقه ای بر مردم و کشور ایران و با ترور، کشتار جمعی و تارومار کردن وقیحانه اکثریت عظیم میهندوستان صادق و آزادیخواهان فرهیخته ایران، توان دفاعی کشور و مردم را در مقابل حملات تبلیغاتی، سیاسی، فرهنگی، تروریستی و احتمالاً در آینده، نظامی امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین الملل بشدت تضعیف کرد و راه ورود عوامل بیگانه بر نهادهای قدرت کشور را هموار ساخت.

امروز درست در شرایط اوگیری فشاریهای تبلیغاتی، سیاسی و اقتصادی ارتجاع امپریالیستی علیه کشور و عامه مردم ایران و درست در شرایطی که رژیم ولایت فقیه مشروعیت خود را در نزد عموم مردم ایران از دست داده است، ترور دانشمندان ایرانی را می توان پیش در آمد تهاجم نظامی استعمارگران غرب بر کشور ما تلقی کرد. در چنین شرایط نگران کننده ای اگر احزاب و سازمانهای ترقیخواه و میهن پرست، نخواهند وظیفه ملی و میهنی خود را درک نموده و نخواهند در اتحاد مستحکم و پایدار با هم در جهت دفع حملات «بشردوستانه» امپریالیسم جهانی بر علیه میهن و مهار زدن به خیره سریهای رژیم جمهوری اسلامی ایران حرکت کنند، لزوماً بایستی در انتظار بازگشت ایران به شرایط قبل از انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷، یعنی دوره حاکمیت رژیم نواستعماری سابق باشند.